



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

به خاطر بسپارید!

در باره اظهارات جلال طالبانی در جمع فراکسیون کرد مجلس اسلامی

رهبر اتحادیه میهنی در این شماره ایسکرا چاپ شده است. این درجه از اعلام خلوص و زانو زدن در بارگاه جمهوری اسلامی و بر شمردن لیست خدمات و مزدوری حتی خشم ناسیونالیستهای کرد و چه بسا کسانی از صفوف اتحادیه میهنی را برانگیخت. در این رابطه بیان چند نکته خالی از فایده نیست.

۱- این اولین بار نیست که



رحمان حسین زاده

متن ترجمه قسمتهای اساسی از بخش اول سخنان جلال طالبانی

صفحه ۳

قهرمان سازی

دیرین بی بی سی (در باره لغو حصر منتظری)

ایرج فرزاد

بالاخره روز پنجشنبه این هفته، حصر آیت الله منتظری رسماً پایان یافت و او بعد از زیارت "حضرت معصومه" در قم، در دفتر کار خویش با آیات عظام: صناعی و اردبیلی ملاقات کرد. پیرمرد مریض احوالی که حتی شایعه مرگ او را هم پخش کرده بودند و هیچگاه از خدمات خود به جمهوری اسلامی کمترین تردیدی بخود راه نداد، داشت به یک عامل فشار به رهبران جمهوری اسلامی تبدیل میشد. برخی از آیات عظام بی آبرویی اسلام و بی رحمی اسلام سیاسی را در این "جفا" به نایب سابق خمینی میدیدند. عده ای از جمله طاهری در همین رابطه از مقام امام جمعه ای اصفهان استعفا دادند. منتظری در همان روز اول آزادی خود با خواندن سوره "عصر" گفت مردم "طبق طبع خود" آدم عوضی و "بی دین" را انتخاب نمیکند و به "شورای نگهبان" توصیه کرد که مملکت مال این مردم است و این را ملاحظه کند!

"حجت الاسلام" کدیور در رابطه با لغو حصر منتظری گفت: "اصلاحات از امروز آغاز شد." و البته بی بی سی هم در انعکاس خبر به شیوه خود، تقریباً همین مضمون را بکاربرد. بی بی سی، مثل همیشه مدال های زیادی را به گردن منتظری آویزان کرد، اینکه گویا "حضرتعالی"، سمبل ظلم و ستم در جمهوری اسلامی و البته از "مبارزان" برای "دمکراسی" اسلامی بوده اند. اما یک نکته کوچک را هم بی بی سی و هم امثال کدیور

صفحه ۲

پست بازرسی

ماموران رژیم توسط مردم

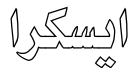
آتش زده شد صفحه ۴

متن سخنرانی

جلال طالبانی

در جمع فراکسیون کردهای مجلس اسلامی

صفحه ۳



سرمدبیر: ایرج فرزاد iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

یک خبر از مریوان

روز یکشنبه ۶ بهمن ۱۳۸۱ (۲۶ ژانویه)، جوان ۱۶ ساله ای بنام سیروان سلامی اهل محله داسیران مریوان به قصد کار کردن در مرز (کول بری) از منزل خود خارج می شود. در این چهار روز هیچ خبری از وی نبوده تا اینکه پنجشنبه ۱۰ بهمن، جسد بی جان وی را در مسیر روستای "حسن اوله" به "گاران" پیدا می کنند. هنوز علت مرگ این جوان معلوم نشده است، اما طنابی دور گردن این جوان بوده و معلوم است که وی خفه شده است. امروز پنجشنبه ۱۰ بهمن ماه، جسد سیروان

صفحه ۲

برکات منطقه "امن" آمریکا و حاکمیت احزاب ناسیونالیست برای مردم کردستان عراق

پلیس و مامورین دولت های "متمدن" قرار گیرند. متأسفانه این ۳۰ نفر در مراحل اولیه سفر پر خطری که در پیش رو داشتند جان باختند و به هیچیک از آرزوهای خود نرسیدند. و برای پدر و مادر و فرزند و همسر بجای پول و امکانات غم و اندوهی بس سنگین بجای گذاشتند.

تراژدی غرق شدن این انسانها یکی از آن فجایعی است که هر روزه در گوشه و کنار دنیا اتفاق می افتد. ارمان سیستم کنونی حاکم بر دنیا برای اکثریت جامعه بشری چیزی جز این نبوده و نیست.

قربانیان جزیره سانتاماریا ایتالیا از کردستان عراق اند، که مدت ۱۲ سال است تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست زیر سایه هژمونی آمریکا بر مردم حکومت می کنند. ناسیونالیست های کرد که مرتب حاکمیت این احزاب را به عنوان

صفحه ۲

خود یا خانواده و بچه هایشان پولی دست و پا کنند و برایشان بفرستند. متأسفانه ۳۰ نفر از این انسان ها در جلو چشمان دوستان همسفرشان طعمه طوفان و امواج دریا گردیدند. انگار طبیعت نیز در این موارد حامی پلیس و پاسدار و ژاندارم های کشورهای اروپایی شده است، که تمام امکانات را بکار گرفته اند

تا مانع ورود انسان ها به مرزهای "مقدس" خود شوند. این انسان ها حتی امکان این را پیدا نکردند تا مانند هزاران انسان دیگر خود را به زیر تیرهای آویزان کنند، که از ایتالیا به سوی کشورهای دیگر اروپا حرکت می کنند. حتی به خاک فرانسه نرسیدند که مانند ۵۹ انسان چینی هم سرنوشت خود، در مسیر حرکت به انگلیس در یک سردخانه خود را از چشم پلیس مرزی قایم کنند و همه آنها یخ بزنند و جان دهند. اینها به آن کمپ و اردوگاه و بازداشتگاهها نرسیدند که مورد تحقیر و توهین



صالح سرداری

sardari@web.de

طبق خبری از فدراسیون شورای پناهندگان عراقی هفته گذشته ۳۵ نفر از اهالی کردستان عراق برای فرار از وضعیت مصیبت باری که بر آنها تحمیل کرده اند، خود را با یک قایق که ظرفیت ۵ تا ۷ نفر را داشته است به آبهای ترکیه و یونان به طرف ایتالیا انداخته، تا شاید با پشت سر گذاشتن موانع بسیاری که در پیش رو داشته اند بتوانند در گوشه ای از این جهان پهناور به حداقلی از زندگی برسند و بتوانند برای پدر و مادر پیر

◀◀ قهرمان سازی دیرین بی بی سی

و یاران ایشان در صفوف درون و بیرون حکومتی "اصلاحات" اسلامی فراموش کرده اند یادآوری کنند. محل دفن تعداد زیادی از قهرمانان واقعی مبارزه برای آزادی را هنوز که هنوز است به بستگان آن عزیزان نشان نداده اند. هنوز که هنوز است نه بی بی سی و نه جناب منتظری و نه حضرات "اصلاح طلب"، حتی یک کلمه در مورد رفع "حصر" از گورهای دسته جمعی و ممنوعه و گمنام ده ها هزار انسان شریفی که درست در نقطه مقابل امثال منتظری نه رساله سنگسار و قصاص برای جمهوری اسلامی نوشتند و نه در تدوین قانون اساسی یک رژیم جنایتکار سهیم بودند، نگفته اند. بی بی سی در مورد "حصر" ده ها هزار اعضا خانواده کارگر در دیوارهای سهمناک فقر و فلاکت و محکومیت آنها به گرسنگی و مرگ تدریجی و مبارزات و تحصنها و راهپیماییهای کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود، ترجیح داده است اساسا سکوت کند. اما با رفع حصر از یک آیت الله که تصادفاً معمار جمهوری اسلامی هم بوده است، انگار باید صف آزادیخواهی لیست بدهکاری خود را به مجاهدتهای امثال منتظری و "حقیقت" گوئی بنگاه بی بی سی به یاد آورد! اما در یک حکومت آزاد و سکولار و پیشرو، امثال منتظری در حصر نخواهند بود. اجازه دارند کتابها و رساله هایشان را بنویسند و البته اجازه هم داده میشود که آن عقاید هم از جانب شهروندان به نقد کشیده شوند و به هواداران و "مقلدان" ایشان هم توصیه میشود که دندان روی جگر بگذارند و به آزادی بیان مخالفین فقیه گوش دهند و دست به چاقو و قمه و احکام ارتداد و تکفیر نبرند و صد البته بی بی سی هم میتواند اگر تعهد ناموسی به جعل خبر و دروغ پراکنی را کنار گذاشته باشد، اخبار مربوط به رعایت حق آزادی بدون قید و شرط و بدون سانسور بیان و اندیشه را در یک جامعه آزاد و برابر و سوسیالیست مخابره کند و به چنان جلسات و مناظره هائی خبرنگار بفرستد. با این حال فراموش نباید کرد که این رژیم هنوز رژیم اسلامی است و در قدرت است. درست همزمان با رفع حصر از منتظری، یکی دیگر از سران سابق جمهوری اسلامی و از اعضای دولت موقت و اکنون مغضوب، عزت الله سحابی، در نامه ای به روسای سه قوه از بازجوییهای "غیر قانونی" و اعصاب

◀◀ برکات منطقه "امن" آمریکا ...

ها را زیر پا له می کنند دست زد.

نوکر مآب بورژوائی و قومی و کارگزاران حکومت پوشالی ناسیونالیستهای کرد در منطقه در راه است. قرار است اینها در رکاب آمریکا و انگلیس برای انجام این کشتار انجام وظیفه نمایند، تا باز ادامه حکومت اینها با خانه خرابی مردم و به خاک سیاه نشانندن آنها تداعی شود. اما تجربه تمام زورگویی ها و تجاوز آمریکا در جهان امروز نشان داده است که آمریکا و غرب بر عکس تبلیغات رسانه های دست راستی که شبانه روز از بلندگوهای خود حمله به عراق را، جنگی برای دفاع از "حقوق بشر" و از "بین بردن" سلاح های کشتار جمعی جار می زنند، نشان از ریاکاری و دروغ پردازی بی شرمانه آنهاست. این جنگ سردمداران نظم خونین جهانی، برای تسلط هر چه بیشتر بر سرنواخت و مقدرات مردم جهان می باشد. مردم نباید به این تبلیغات متوهم شوند. مردم دنیای متمدن باید در مقابل این قدر قدرتی ها و ریاکاری ها بایستند.

هر کسی که از غرق شدن این ۳۰ نفر انسان دلش به درد آمده است و می خواهد دیگر شاهد چنین تراژدی هایی نباشد، اگر کسی می خواهد مردم دیگر کشتار نشوند، اگر از آوارگی و در بدری دیگران بیزار است، اگر بی حقوقی مردم عراق تحت حاکمیت صدام حسین نگران می کند، هر انسان آزاده ای که می خواهد مردم عراق از آزادی و حق خود برخوردار شوند، هر کسی که طرفدار رفتن صدام حسین و حزب فاشیست بعث است باید بداند حمله آمریکا و انگلیس و جیره خوارانش فقط فاجعه پشت فاجعه بوجود میآورد. ایستادن در مقابل این جنگ و تقویت صف آزادیخواهی و انسانیت بهترین کمک به مردم عراق است. جنگ آمریکا در عراق و تسلط آنها بر عراق چه از طریق نظامیان آمریکایی و چه از طریق گروهها و دستجات قومی - اسلامی راه نجات مردم عراق از شر صدام حسین نیست.

کمیته کردستان
دبیر کمیته:
رحمان حسین زاده
Email:
r_hoseinzadeh@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷
مسئول دبیرخانه:
محمد آستگران
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵
Email:
asangaran@aol.com

... یک خبر از مریوان
را برای بررسی چگونگی مرگ او به پزشک قانونی سنجید می برند. اما خیلی از مردم عقیده دارند که این عمل وحشیانه کار جمهوری اسلامی است که می خواهد ایجاد نامنی و ترس و وحشت کند. ما ضمن محکوم کردن این عمل فجیع، مرگ سیروان سلامی را به خانواده و بستگانش صمیمانه تسلیت میگوئیم. □

"آزمون" بزرگ کرد در بوق و کرنا کرده اند، در مقابل چنین وضعیتی چه جوابی دارند؟ اگر اکنون ۱۲ سال است که در کردستان عراق حاکمیت خودشان بر قرار است، پس چرا مردم این منطقه، خود را به آب و آتش زده تا این "حکومت" خودی را جا بگذارند و به گوشه ای دیگر از دنیا پناه ببرند. چرا مردم کردستان عراق به این "حکومت" خود دلخوش نیستند؟ چرا فرار می کنند؟ چرا در مدت حاکمیت این احزاب، صدها هزار نفر از مردم کردستان عراق خانه و کاشانه خود را حراج کرده تا به هر وسیله ای بتوانند به کشورهای دیگر پناهنده شوند و بسیاری از آنها در سر مرزها به دام پلیس و دستگاههای امنیتی دولتها افتادند و با کشیدن زندانی های طویل المدت دیپورت شده اند؟

دولت آمریکا در سال ۹۱ بخاطر سلطه هرچه بیشترش بر دنیا و استقرار نظم نوین جهانی اش با براه انداختن جنگ خلیج، که به قیمت جان هزاران انسان و ویرانی شهرهای عراق تمام شد، به احزاب ناسیونالیست کرد در عراق، امکان داد تا با استفاده از این وضعیت بتوانند بر مبارزات مردم سوار شوند و قدرت را در دست بگیرند. از آن هنگام تاکنون کردستان عراق را به اردوگاهی تبدیل کرده و بنیان های یک جامعه شهری را از بین برده و بیکاری و فقر، از سر و روی آن جامعه می بارد. به همین دلیل مردم کردستان عراق با علم به خطراتی که مسیر خطرناک رسیدن به کشورهای اروپایی آنها را تهدید می کند باز به این ریسک دست زده اند. این "آزمون" پر افتخار "دولت" های سلیمانیه و اربیل و تجربه حاکمیت احزاب ناسیونالیستی کرد تا همینجا و طی این ده سال مدام کوچ و دربدری و ویرانی تولید کرده است و از خود و "برکات" حاکمیتش قربانی پشت قربانی گرفته است.

با این حال آمریکا هنوز ارمغان های دیگری برای مردم کردستان عراق در آستین دارد، جنگی دیگر علیه مردم عراق و با حمایت بی دریغ جریانات

۳۰ ژانویه ۲۰۰۳

به خاطر بسپارید! (از صفحه اول)

جلال طالبانی به عنوان یکی از سرکرده‌های ناسیونالیسم کرد این چنین به نوکری خود در قبال دولتهای مرتجع منطقه و اتفاقاً سرکوبگر مردم کردستان و به نوکری خود در قبال قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی افتخار میکند. سراسر حیات سیاسی طالبانی نان به نرخ روز خوردن، بنا به مصلحت روز قرار گرفتن در خدمت یکی از دولتهای سرکوبگر و مرتجع، بازی کردن با سرنوشت مردم در خدمت منافع حقیر حزبی و شخصی، اپورتونیسیم و شیادی سیاسی است. در همین راستا خیلی‌ها هنوز بیاد دارند که طالبانی روزی با کتاب سرخ ماتو و روز دیگر با کتاب سبز "معمارالقدافی" و زمانی با توصیف صدام حسین به عنوان "مهندس حکم ذاتی" مانور میکرد. در یکدهه و نیم اخیر از یک طرف با "تهج‌البلاغه" و توضیح المسائل خمینی و از طرف دیگر آویزان به سیاستهای آمریکا در حال جست و خیز است. بوسیدن دست و روی صدام فاشیست و گریه بر قبر خمینی و بوسیدن دست خامنه‌ای و خاتمی و کربوبی جنایتکار و زانو زدن در مقابل کاربدستان دولتی و نظامی ترکیه از کارهای معمول این بندباز سیاسی است. سال ۹۲ در جواییهای به طالبانی، منصور حکمت چه زیبا نوشت:

"آقای طالبانی و رهبران ملی کرد ابداً افراد مشکوک نیستند. موقعیت و منافع سیاسی آنها، موتلفین و طرفهای داد و ستد سیاسی شان، اهدافشان، برنامه‌شان، روش حکومتشان، برخوردشان به طبقه کارگر، جنگ و آشتی شب و روزشان و نسخه غم‌انگیزی که برای جامعه فردای کردستان می‌پیچند، همه و همه معلوم و معرفه است و با عکس و تفصیلات در روزنامه‌ها و رسانه‌های معتبر جهان منتشر شده و کارگر کرد و هر انسان آزادیخواه که به رهایی مردم زحمتکش کردستان میانمیدشد مجاز به داشتن کوچکترین توهّم و تردیدی در این مورد نیست"

۲- اظهارات طالبانی در جمع فراکسیون نمایندگان جمهوری

خود حفظ کند، نمیتواند و نباید در دوستی و تنظیم مناسبات با اتحادیه میهنی با سازمان زحمتکشان رقابت کند و یا به سیاق آنها عمل کند، بلکه بر عکس اگر چه دیر هم شده است اما به این دوستی و این نوع تنظیم مناسبات خاتمه دهد؟ طالبانی در این نشست خود اعلام کرده است که در یکدهه گذشته مرزهای جمهوری اسلامی را امن نگه داشته است و مانع فعالیت نظامی احزاب سیاسی و از جمله کومهله شده است. رهبری کومهله تا کی منافع "اتحادیه میهنی" و "دیپلومات بازیهای" جلال طالبانی را تحت نام "رعایت منافع مردم کردستان عراق" توجیه میکند؟

۳- دو سال قبل جلال طالبانی در مناسبتی گفت "با مسعود بارزانی تصمیم گرفته اند صفحات کثیف تاریخ فیمابین دو حزبشان را پاره کنند" همانموقع در جواب نوشتم صفحات کثیف تاریخشان با مردم را چکار میکنید؟ تاریخچه ناسیونالیسم کرد پرست از مقاطع و صفحات زشت و ضد مردمی. جلال طالبانی یکی از سرکرده‌های معلوم الحال جنبش ناسیونالیستی کرد و یکی از چهره‌های شاخص شیادی و اپورتونیسیم سیاسی و نوکر منشی در این جنبش است. سابقه سیاسی وی ثبت شده است و این سند سخنرانیش را هم در کنار سند همکاریش با ارتش جمهوری اسلامی علیه مقرات حزب دمکرات و جنایاتش علیه حزب کمونیست کارگری عراق و سازمان زنان به دستور جمهوری اسلامی و ترور بیش از ۴۰۰ نفر از افراد وابسته به اپوزیسیون ایرانی در منطقه تحت حاکمیت مشترک ایشان و قرار گاه رمضان و صدها سند جنایت و اعمال ضد مردمی دیگر او را ثبت کرده ایم. در فردای بعد از جمهوری اسلامی طالبانی باید پاسخگو باشد. سازمان زحمتکشان و عناصر و دارودسته‌های وابسته به طالبانی و اتحادیه میهنی در کردستان ایران جا دارد در فکر آینده خود باشند. تحولات سیاسی جامعه ایران و کردستان مهر نیروی چپ و کمونیسم کارگری را بر خود دارد و نقطه پایانی بر بندبازی و هرزگی سیاسی امثال جلال طالبانی میگذارد.

متن ترجمه بخشهایی از قسمت اول سخنرانی جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق در جمع فراکسیون کرد مجلس اسلامی ایران

خوب است مردم کردستان ایران در چهارچوب جامعه ایران، در پروسه‌ای که درحال حاضر در ایران برای آزادی بیشتر و دمکراسی بیشتر در جریان است، فعالیت کند بهتر است.

یک بار با برادران جمهوری اسلامی در مورد جریانات اسلامی خودمان گفتگو می‌کردم، می‌گفتم که جمهوری اسلامی مثلاً نیروهای اسلامی دارد اما آن نیروها حق ندارد تلویزیون و رادیو داشته باشد، در حالی که اسلامیون ما تلویزیون و رادیو و نیروی مسلح دارند و پولش را هم حکومت ما می‌دهد. در کدام کشور چنین است؟ در شهری مانند سلیمانیه ۱۲ تلویزیون مربوط به احزاب مستقل وجود دارد، نزد ما سانسور وجود ندارد، در سلیمانیه بیش از ۸۰ روزنامه و نشریه منتشر می‌شود و حق هم دارند هر حرفی بزنند. مثلاً خیلی وقتها به من می‌گویند آیت‌الله جلال طالبانی یا بعضی اوقات کاریکاتورمان را رسم می‌کنند، یک بار ما را وابسته به ایران معرفی می‌کنند و یک بار به جایی دیگر، و همه آزاد هستند حرف خود را بزنند. ما از حرف نمی‌ترسیم و انتقاد نزد ما آزاد است، در منطقه ما برادران عرب ما نیز آرامش یافته‌اند، برادران عرب ما در کردستان ما حضور دارند و به خوبی و در آرامش زندگی می‌کنند، در شهری مثل سلیمانیه مقر بیش از ۱۰ حزب فدایی عراقی وجود دارد که تنها در آنجا می‌توانند آزادانه زندگی کنند، نزد ما ترقی وجود دارد و در منطقه ما در اتحادیه میهنی تبعیض میان شیعه و سنی وجود ندارد، پنج الی شش نفر از رهبران اتحادیه میهنی شیعه هستند، دو وزیر شیعه داریم، سه وکیل وزیر شیعه داریم، ما در رهبری اپوزیسیون عراقی یک خواهر شیعه داریم که اسمش جنان است، خواهر کوردو قاسم وکیل وزیر بهداشت است در وزارت بهداشت ما. نزد ما تفاوتی میان شیعه و سنی وجود ندارد، به میزان توان و مبارزه‌خوشان سهممند. در رهبری هستند، در دفتر سیاسی هستند. در حکومت و ادارات مختلف هستند، بعضاً از سهم خودشان بیشترند، بعنوان یک برآورد بگویم: از همین همراهانمان در این سفر به ایران سه نفرشان شیعه هستند، یکی

◀

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

پست بازرسی ماموران رژیم توسط مردم معترض آتش زده شد.

صبح روز جمعه ۴ بهمن ۱۳۸۱، (۲۴ ژانویه ۲۰۰۳) در مسیر جاده سردشت - مهاباد، در سه راه "بی‌زله" مامورین رژیم جاده را سد کرده و به کنترل ماشینها و مردم پرداختند. در ساعت ۱۲ و نیم ظهر مامورین رژیم یک ماشین حاوی مقداری پارچه را متوقف و پارچه را به این بهانه که وسایل "قاچاق" است، مصادره کردند. مردم اهالی بی‌زله وقتی از ماجرا مطلع شده به کمک سرشنیان ماشین می‌شتابند و با مامورین پست بازرسی رژیم درگیر میشوند. مسافری دیگر نیز به کمک مردم می‌شتابند و درگیری میان مردم و مامورین رژیم شدت می‌یابد. مردم معترض پس از اینکه اموال ضبط شده توسط نیروهای رژیم را به صاحبان آن پس میدهند، پست بازرسی ماموران رژیم را به آتش میکشند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم را به تشدید مبارزه علیه رژیم فرا میخواند. دوره گسترش اعتراض مردم است و توازن قوا به نفع مردم چرخیده است. در چنین اوضاعی هر نوع تعرض نیروهای رژیم را باید با تعرض متقابل جواب داد و تلاش کرد از هر فرصتی برای عقب راندن هر چه بیشتر مزدوران جمهوری اسلامی استفاده کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۶ بهمن ۱۳۸۱ (۲۶ ژانویه ۲۰۰۳)

خیلی خوب است، لطفا تلاش کنید آنها را به واشنگتن بیاورید به داخل اپوزیسیون بکشانید. ما همیشه سیاست مستقل خود را داشته‌ایم و بر مبنای منافع ملت خود و عقاید خودمان حرکت کرده‌ایم. بدون شک بهای آن را هم پرداخته‌ایم، خیلی وقتها بهای گزافی پرداخته‌ایم، برادران شاید شما بدانید منطقه ما منطقه بدون درآمد کردستان است. آمریکا، انگلیس، ما و پارتی در دروگیدا نشستی داشتیم، مسئول هیئت ما کاک نوشیروان بود، گفتند فقط بگوئید پ.ک.ک تروریست است ما نصف درآمد گمرک ابراهیم خلیل را به شما می‌دهیم، آن موقع درآمد ابراهیم خلیل در روز به یک میلیون و نیم دلار می‌رسید،

ما نگفتیم. فکر کردند این نظر نوشیروان است، به من زنگ زدند از آمریکا، من در شام بودم، گفتم این سیاست اتحادیه میهنی است که کاک نوشیروان اعلام می‌کند. من گفتم ما آنها را آزادخواه می‌دانیم و تروریست نمی‌دانیم، تا روزی که به این باور داشتیم، بهایش را هم پرداختیم. خیلی وقتها برادران جمهوری اسلامی از ما گله داشته‌اند، به خاطر حضور برادران کردی که نزد ما هستند، ما گفته‌ایم آنچه می‌توانیم انجام بدهیم این است که اجازه ندهیم آنها هم برای شما مشکل ایجاد کنند، از کردستان عراق برای عملیات مسلحانه (به کردستان ایران) نفوذ نکنند. و گرنه از این بیشتر از عهده ما کاری بر نمی‌آید. اما ما وفادار به تعهدات خودمان هم هستیم، ما با جمهوری اسلامی دوست هستیم، اکنون دوستیم، فردا هم دوست خواهیم بود و عراق هم که آزاد شد انشالله دوست خواهیم بود. امیدوارم شما هم ما را درک کنید چون بعضی وقتها برادران کرد ایرانی ما را درک نمی‌کنند، فکر می‌کنند ما نوکر جمهوری اسلامی شده‌ایم و به خاطر جمهوری اسلامی چیزی نمی‌گوییم.

ما فکر می‌کنیم روشی که شما الان در پیش گرفته‌اید درست است، فکر می‌کنیم مبارزه پارلمانی درست است، فکر می‌کنیم که کردهای ایران بهتر است در چهارچوب ایران، در جامعه ایران در بطن مبارزاتی که در ایران برای آزادی بیشتر و دمکراسی بیشتر در جریان است، کار کنند تا اینکه به کوه بزنند و شلیک کنند و شش نفر را به کشتن بدهند و دو نفر را بکشند.

پارلمانی و مبارزه ژورنالیستی سلاح دست ملت‌های مظلوم است. در مورد کردستان ایران ما خوشحالیم که شما اهمیت این را درک کرده‌اید و در مجلس متحد شده‌اید. به نظر ما هر اندازه تلاش کنید که جمهوری اسلامی رشد کند و قوی شود به نفع ملت کرد است، هر چند اقتصاد شکوفا شود منفعتش به کرد می‌رسد، به همین خاطر تا آنجا که به ما مربوط است ما دوست جمهوری اسلامی هستیم، این را علنا می‌گوییم. حتی در روزهایی که آمریکا به ما کمک کرده است، که آزادی کنونیمان را مدیون آمریکا و انگلیس هستیم، هواپیماهای آمریکا و انگلیس است که ما را حفظ می‌کند و گرنه یک بار دیگر آواره کوهها می‌شدیم و می‌آمدیم پیش شما. با تمام اینها این را از آمریکا قبول نکرده‌ایم که یکبار هم بگوید دوستی با جمهوری اسلامی نداشته‌باشید. گفته‌ایم با جمهوری اسلامی دوستی می‌کنیم و مخفی هم نکرده‌ایم ما می‌دانیم که این دوره، دوره سیاست علنی است. نمی‌توانیم کلاه سر آمریکا و ایران و ترکیه بگذاریم. به همین خاطر واقعیات را گفته‌ایم به آمریکا گفته‌ایم که ما دوست جمهوری اسلامی هستیم و دشمن شما هم نیستیم با برادران شیعه‌مان خصوصا، مجلس اعلا، زمانی مجلس اعلا ممنوع بود و از طرف آمریکا تحریم شده بود ما با آنها دوست بودیم و پیمان اتحاد امضا کرده‌ایم، روزی رسید که آمریکا هم نظر ما شد، گفتند شما درست گفته‌اید مجلس اعلا

میهنی، بیش از ۴۵۰۰ شهید در جنگهایی داریم که دوشادوش برادران پاسدار و مخالفین دولت عراق در کردستان عراق انجام داده ایم. در این مبارزه، بعد از رهایی هم توانستیم دو کار مهم برای جمهوری اسلامی انجام بدهیم: یک: امنیت مرزهای جمهوری اسلامی را تامین کنیم، که شما خودتان ساکنین کردستان ایران هستید، آمدید و دیده‌اید که سابقا چگونه بود و الان چگونه است، چند سال است که در کردستان ایران یک گلوله شلیک نشده است. کار خوب دیگری که توانستیم انجام دهیم این است که برادران کرد خودمان که مخالف جمهوری اسلامی هستند و به منطقه ما آمده‌اند، با احترامی که برایشان قائلیم، توانستیم قانعشان کنیم که مبارزه مسلحانه بی‌فایده است و قانعشان کنیم که از منطقه ما برای مبارزه مسلحانه به کردستان ایران برنگردند. ما فکر می‌کنیم که این دوره، دوره مبارزه سیاسی و تشنج زدائی است، دوره مبارزه پارلمانی است، ما به آنها گفتیم که شما خیلی کار خوبی می‌کنید، کار خیلی خوبی می‌کنید که در پارلمان حضور دارید، در شوراها حضور دارید و به این وسیله به ملت خودتان خدمت می‌کنید، این شیوه خدمت به ملت کرد است در ایران امروز. دوره مبارزه مسلحانه به سرآمده است. امروز دوره مائوتسه‌دونگ و هوشی‌مین و چه‌گوارا نیست، دوره دیگری است و دنیای دیگری است، که در آن مذاکره و تفاهم، سیاست و دیپلماسی، مبارزه

سیاست و مبارزه است و ما باید از این وضعیتی که هست به نفع ملت‌مان استفاده کنیم. درباره اینکه ما همدیگر را تحمل کنیم، به نظر اکنون در تحمل کردن همدیگر نمونه هستیم. الان در کردستان عراق ۳۵ حزب و جماعت وجود دارند. بخش اعظم این احزاب هم پول از هردو حکومت (ازبیل و سلیمانیه) می‌گیرند. اگر ۳ ماه ما به آنها پول ندهیم خودشان نمی‌توانند نه روزنامه انتشار بدهند و نه دوام بیاورند. ما این را تشویق می‌کنیم ما فکر می‌کنیم در گلزار کردستان ۱۰۱ گول بشکند، هیچ مانعی نداریم. ما این آیه مبارک قرآن را در خیلی جاها آویزان کرده‌ایم: "فیشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه"، بگذار این بر فراز سرمان به اهتزاز درآید. ما امروز توانستیم حمایت جهانی برای کرد پیدا کنیم، توانستیم سیاستی متوازن در خاورمیانه به وجود بیاوریم، ما از قدیم با جمهوری اسلامی دوست بوده‌ایم. جمهوری اسلامی در روزهای سخت و سیاه پشتوانه ما بوده و به ما کمک کرده. ملت ما بعد از حلبچه که دهها هزار آواره داشت زیر حمایت جمهوری اسلامی پناه گرفت. بعد از کوچ عمومی، صدها هزار در جمهوری اسلامی پناه داده شدند. خود ما هم به عنوان اتحادیه میهنی دردورانی که در به در شدیم در جمهوری اسلامی پناه گرفتیم. ما این خوبی‌ها را فراموش نمی‌کنیم، ملت کرد ملت وفاداری است، ملتی است که خوبی را فراموش نکرده و فراموش هم نخواهد کرد. واضح است که ما هم در مقابل به اندازه توانمان برای جمهوری اسلامی خاصیت داشتیم. در جنگ دفاع مقدس دوشادوش برادران جمهوری اسلامی مبارزه کرده‌ایم، تنها ما، اتحادیه

*** سخنرانی
جلال طالبانی

از مرتجعین خودمان هم ناخوشایند بود، اما نزد ما چون تبعیض نیست این چیزها درست شده اند. انواع تشکیلات شیعه وجود دارند که اگر آمدید به چشم خودتان خواهید دید. خواسته‌هایی را که شما از ما مطرح کردید، ما درست می‌دانیم، شما فرمودید اتحاد و برادریمان را حفظ کنیم و ما تصمیم گرفته‌ایم اتحاد و برادریمان را حفظ کنیم و مطمئن باشید که یک بار دیگر در کردستان عراق نه جنگ برادرکشی روی می‌دهد، نه تفرقه و نه هیچ چیز دیگر برعکس ما به خاطر این هدف فداکاریهای بسیار کرده‌ایم و خواهیم کرد، فرصت تاریخی که برایمان پیش آمده را از دست نمی‌دهیم، ما فکر می‌کنیم و آشکارا می‌گوییم اگر رهبری ملت کرد در این مقطع حتی مام جلال و مسعود بارزانی این فرصت را از دست بدهند خیانت تاریخی بزرگی به کرد می‌کنند. چون فرصتی که برای ما پیش آمده برای هیچ کس پیش نیامده. بزرگان کرد قبل از ما ۱٪ اشتباهات امروز را نداشته‌اند و ۸٪ توانی را که ما امروز داریم نداشته‌اند، اما جان فدا کرده‌اند و سربلند مرده‌اند. ما انشالله اجازه نمی‌دهیم که کرد این فرصت را از دست بدهد. به همین خاطر هم همراه و همگام مبارزه پیشمرگانه، مبارزه شهر و مبارزه روستا، مبارزه دیپلوماسی خارجی را هم شروع کرده‌ایم. چون ما فکر می‌کنیم این عصر عصر دیالوگ و دیپلماسی و

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است